نقوش مختلفه غریبه می نگاشتند واوستادان چین بتصفیه وتجلیه بکار
می داشتند بعد از رفع حجاب وکشف نقاب آنچه نقاشان خطا را
بعرق جبین وکد یمین حاصل شده بود زیباتر از ان در صفحه استادان
چین می نمود شعر ای دل ز طریق اهل صورت بگذر ∴ آیینه شو و ز هر کدورت
بگذر ∴ گر نور و صفای عارفان میخواهی ∴ از هر چه ترا نیست ضرورت بگذر
ظ خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیهات ∴ مگر از نقش پراکنده ورق ساده کنی
شیخ ابو یزید رح میفرماید اخذتم علمکم میتا عن میت واخذنا علمنا عن الحی
الذی لا یموت شعر پر شد ز شراب عشق جام دل من ∴ وز لوح وجود شست
نام دل من ∴ گفتی سخنی شهد زبانم همه روز ∴ امروز رسید خوش بکام دل من
امام فخر الدین با شیخ نجم الدین گفت بم عرفت ربک فرمود بواردات
ترد علی القلوب فتعجز النفوس عن تکذیبها ص وثم وراء النقل علم یدرک ∴
مدارک غایات العقول السلیمة ∴ تلقیته منی وعنی اخذته ∴ ونفسی کانت
عن عطائی ممدتی حافظ مبین حقیر گدایان عشق را کین قوم ∴ شهان بی کمر و
خسروان بی کلهند ∴ قدم منه بخرابات جز بشرط ادب ∴ که ساکنان درش
محرمان پادشهند ∴ غلام همت دردی کشان یکرنگم ∴ نه این گروه که ازرق
ردا و دل سیهند و مخالفت این طایفه با یکدیگر مبنی ست بر اختلاف
مشرب در کتمان وافشا اسرار بعضی میگویند شعر انکی الی المشرق ان
کانت منازلکم ∴ من جانب الغرب خوف القیل والقال ∴ اقول بالخد
خال حین اذکره ∴ خوف الرقیب وما بالخد من خال ∴ وبعضی میگویند
الا فاسقنی خمرا وقل لی هی الخمر ∴ ولا تسقنی سرا اذا امکن الجهر ∴ وبح باسم
من اهوی ودعنی عن الکنی ∴ فلا خیر فی اللذات من دونها ستر ∴ وقح
جمعی پندارند که دانش منحصر در علوم رسمیه ست کلا انهم عن ربهم یومئذ
لمحجوبون ص بین المحبین سر لیس یفشیه ∴ قول ولا قلم للخلق یحکیه ∴ ابن

عباس

عباس گوید رضی الله عنهما شبی با حضرت امیر المومنین علی کرم الله وجهه صحبت
داشتم تا روز شرح بار بسم الله فرمود ومن خود را پیش او چون سبوی یافتم در پیش
دریای بزرگ وهم او فرمود اگر تفسیر الله الذی خلق سبع سموات ومن الارض
مثلهن یتنزل الامر بینهن بگویم شما مرا سنگسار کنید وحضرت امیر فرماید در سینه من
علمی ست که اگر آنرا بر شما اظهار کنم بر خود بلرزید چنانچه ریسمان دراز در چاه آب وهم
او فرمود لو شئت لاوقرت سبعین بعیرا من تفسیر فاتحة الکتاب وهم آنحضرت
اشارت بسینه سکینه خود کرده و فرمود ان ههنا العلوما جمة لو وجدت لها حملة و در
صحیح بخاری مذکور ست که ابو هریره رضی الله عنه گفت حملت عن النبی صلی الله
علیه وسلم وعائین من العلم فاما احدهما فبثثته فیکم واما الآخر فلو بثثته قطع
منی هذا الحلقوم وامام زین العابدین قدس الله سره فرمود شعر انی لاکتم من علمی
جواهره ∴ کیلا یری الحق ذو جهل فیفتتنا ∴ وقد تقدم فی هذا ابو حسن ∴ الی
الحسین ووصی قبله الحسنا ∴ ورب جوهر علم لو ابوح به ∴ لقیل لی انت ممن
یعبد الوثنا ∴ ولاستحل رجال مسلمون دمی ∴ یرون اقبح ما یاتونه حسنا ∴
وجنید رح گفته لا یبلغ احد درج الحقیقة حتی یشهد فیه الف صدیق بانه زندیق
وامام غزالی رح در احیا نقل از بعضی عرفا کرده که سبب پنهان شدن ابدال
از چشم اکثر مردم آنست که ایشان طاقت دیدن علما وقت ندارند برای
آنکه این علما در نفس امر جاهلانند و نزد خود و نزد جاهلان علمااند حافظ در نظر
بازی من بی بصران حیرانند ∴ من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند ∴ عاقلان
نقطه پرکار وجودند ولی ∴ عشق داند که درین دایره سرگردانند ∴ وصف رخسار
خورشید ز خفاش مپرس ∴ که درین آینه صاحب نظران حیرانند ص القدح
فی من شرف الله قدره ∴ وما زال مخصوصا به طیب الثناء ∴ رجال لهم سر
مع الله صادق ∴ ولا انت من ذاک القبیل ولا انا قطعه زنهار و هزار زنهار
که از انکار اولیا احتراز کن و با عتقاد در فیض بروی دل باز کن شیخ محی الدین

Copyright © King Saud University